

## قبله نه صرفاً یک جهت جغرافیایی بلکه جهت گیری دینی است

ماجرای جدی که در ابتدای حکومت اسلامی پیغمبر که (در سوره ی مبارکه بقره اشاره می کند) اتفاق می افتد ماجرای تغییر قبله می باشد.

خود آیات قبله نشان می دهد که قبله، جهت نیست در واقع یک نوع جهت گیری دینی است و قبله نماد دین می باشد. بسیاری از مسائل و شعائر برای مثال نماز، دفن میت و.... همه به سمت قبله می باشد. که قبله به عنوان یکی از مهم ترین علائم مشخص می شود که دین تغییر می کند.

آیات هم همین مطلب را نشان می دهد، که پیغمبر دنبال تغییر قبله بودند، از آن ابتدا هم مشخص بود که قبله، مکه خواهد بود که خودشان هم در مکه بودند. به گونه ای به این سمت قبله نماز می خواندند که رو به کعبه باشند. برای همین قبله نماد امامت و نبوت است، نباید آن را یک جهت نباید نگاه کرد بلکه به صورت جهت گیری باید به آن نگاه کرد.

در آخر هم قبله برای امام است و باید قبله ها برای امام واقع بشود، که این خانه یک صاحب خانه ای دارد که ولی الله الاعظم روحی له الفداه می باشد که باید ابراز ولایتشان را از طریق قبله انجام می دهند. که همین می تواند خودش نشاندار در آیات باشد.

در آیه ۱۴۴ بقره: قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

قبله در زمان امام زمان <sup>عجل الله فرجه</sup> تغییری نمی کند. کتابی که در رابطه با کربلا آمده است که معامله ی قبله است یک قبله ی زاپاس محسوب می شود برای اینکه دل ها به سمت باطن جریان امامت متوجه شود و شیفت پیدا کند به مسئله ی حج، که قبله ی اصلی می باشد. در ادامه، می فرماید: ما تو را به سمت قبله ی چرخانده ایم که تو راضی شوی. معلوم است که پیغمبر در آسمان چشم می انداختند و منتظر تغییر قبله بوده است.

آیه ۱۴۵ بقره: وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتِهِمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

آیه نشان می دهد که اصلاً بحث تبعیت از دین یعنی تبعیت از قبله و تبعیت از قبله یعنی تبعیت از دین در واقع نماد دین و دینداری حتی نماد نبوت، قبله می باشد. اگر کسی قبله داشته باشد یعنی نبی دارد.

ترجمه آیه: اگر همه ی آیات را برای آنها بیاوری، قبله ی تو را پیروی نمی کنند و تو هم قبله ی آنها را پیروی نمی کنی یعنی نشان می دهد که دین حق آمده است. اتفاقاً خودشان هم از قبله هم دیگر (یهود و نصاری و اهل کتاب) پیروی نمی کنند. آنها هم بر این باور بودند که هر کسی یک قبله ای دارد که به سمت قبله ی خودش می چرخد به عنوان مثال برخی ها قبله شان آمریکا، غرب و.... می باشد. در حقیقت قبله، مفهومی است که به امامت گره خورده است.

قبله یا قبله ها

بقره آیه ۱۴۸: وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. هر کسی یک وجهه ای دارد که دور آن می چرخد یعنی خودش را به سمت قبله ی خودش می چرخاند.

مهم این نیست که ما رو به کعبه نماز می خوانیم بلکه باید دید دل در گرو چه چیزی است که این دل در گرو چه چیزی است می شود قبله. بعضی قبله شان غرب و آمریکا است یا ژاپن اسلامی و به سمت آنها می چرخند خدا میچرخاندشان . یا قبله شان نظامات غربی و علم تولید شده غربی است و کسی نمیتواند آن را مخفی کند: هُوَ مُوَلِّيهَا خدا او را به سمت قبله های خودش می چرخاند.

قبله ی ما کعبه است و امام خود را هم اینجا می دانیم ولی اگر قبله کعبه نباشد ما معادل آن قبله ی خود را به سمت کربلا به مهد امامت می چرخانیم و در واقع این قبله، قبله ای است که هر سمتی باید به سوی آن بچرخید. قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ قرآن نمی گوید به این سمت نماز بخوان، می فرماید: شما چهره ای خود را به سمت مسجد حرام برگرداند که نه تنها به پیغمبر می گوید بلکه به مومنین هم می گوید وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ، در هر جایی باید چهره ای خود را به سمت آن بکنید. وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ اشاره به قبله بودن را دارد که در واقع خیرات در انجایی است که به سمت قبله هستند ، یعنی به سمت امام و حقایق دین هستید. از یک مطلب معنوی یک شعائر اسلامی می سازد که می شود قبله .

در واقع هدف اینکه باید حج پیروی کنیم این است که به سوی امام بیایم. با توجه داشت که هنگامی که نماز می خوانید باید بدانید که به سمت خانه ی امام یا الله (این الله وصفی است و ذاتی نیست) دارید نماز می خوانید یعنی به سمتی دارید نماز می خوانید که همه گفتند بیاید به سمت امام و باید به این سمت هم حرکت انجام شود (باید ما برسم به خانه ی اصلی خودمان)

### ارتباط مفهوم قبله با مفهوم امام و امامت

آیه ی بقره ۱۵۰: وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَئِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ این آیه شبیه آیات ولایت و نبوت می باشد.

صفحه ی ۱۰۷ قرآن کریم، سوره ی نساء آیه ی ۱۶۵: رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا خدا می فرماید: ما رسول را آورده ایم برای اینکه حجتی دیگر باقی نماند یعنی آمدن نبی باعث رفع حجت می شود زیرا اگر نبی نیاید دلیلی برای اینکه ما متوجه جریانات نمی شویم خواهیم داشت (یعنی بشر می توانست در آخرت استدلال کند که شما نبی نفرستادید ما هم چیزی را متوجه نمیشدیم برای همین ما کار خودمان را انجام داده ایم ) در واقع اگر نبی نبود حجت بود بر بندگان علیه خدا.

سوره ی مبارکه مائده آیه ۳ صفحه ی ۱۰۷: الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا که می فرماید : از کسی نمی خواهدد بترسی از من بترس، اتمام نعمت شده است .

ادامه سوره ی بقره ی آیه ی ۱۵۰: وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ هرجا که خارج شدی رویت را به سمت مسجد حرام بچرخان یعنی به هر سمتی که خارج شدی به قبله توجه کن (نماز یکی از وجوه آن است) لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ این کار را انجام دهید تا حجت مردم علیه ی شما تمام شود وگرنه اگر قبله نبود مردم دنیا همه حجت داشته اند (جریان نبوت نداری اصلاً زمانی که قبله نداری) نبی که قبله ندارد، نبی نیست (نبی باید تعیین قبله خود را انجام دهد) پس آیات منعطف بر هم هستند.

اگر حجت نباشد، قبله نباشد، نبوتی هم نیست زیرا مردم حجت پیدا می کنند علیه شما . فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تُمِ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ هنگامی که قبله تعیین شود یعنی امام تعیین شده است در واقع وضعیت امامت مشخص شده است. زمانی که قبله مشخص شده دیگر نمی خواهد از آنها بترسی بلکه از من بترسید هنگامی که قبله رسم شده، این درمسیر اتمام نعمت است. مسأله قبله با امامت آمیخته است.

در نتیجه، قبله هست، صاحب قبله هست، قبله نما هم هست در واقع همه چیز هست. هر کسی یک وجه درونی دارد که خدا به آن سمت آن را می چرخاند (ما باید تعیین قبله را انجام دهیم که طاغوت است یا الله و شعبات الله یا طاغوت) قبله این است که هر جایی خارج شدی و چرخیدی همه جا مشخص باشد که در آخر به سمت امام یا قبله می چرخیم و علم هم می خواهیم تولید کنیم مربوط به همان سمت می شود وگرنه باید به سمت علم طاغوتی همان علم امریکایی و غربی که منهای دین است و... بروند و حتی جریان نبوت و امامت هم آن می شود .

استباق در خیرات قبله و جهت لازم دارد . باید جهت گیری داشته باشی برای مسابقه تا تمام وجود انسان پراز محبت به امام و راه امام یا دین شود وگرنه یا در جا میزنه مثل حرکت روی تردمیل یا جایی میروند که اصلاً پیست نیست میدان مسابقه و زمین مسابقه آنجا نیست برای خودش جایی دیگر میدود.

### نسبت قرآن با پیامبر یا تبیان با تبیین

جریان جدی معارض با جریان قبله و نبوت، جریان کتمان معارف است که در آیات ۱۵۹ و ۱۶۰ بیان شده.

اول سوره ی مبارکه ی نحل آیه ۸۹: وَ يَوْمَ نُبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ که می فرماید: در هر امتی یک گواهی از خودشان قرار دادیم و تو هم یکی از آن شاهد ها ، برتو ما کتاب نازل کرده ایم که خداوند قرآن را تبیان معرفی می کند، یعنی خودش مایه بیان یا عنصر بیان و خودش روشنگر می باشد.

ولی ایه ی ۴۴ سوره نحل بیان می کند که اینها نیاز به تبیین دارد: بِالْبَيِّنَاتِ وَ الزُّبُرِ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ما ذکر را نازل کردیم و قرآن که خودش تبیان است تو باید تبیین کنی. اشاره می کند که تبیان بودن قرآن به پیامبر احتیاج دارد و در مرحله ی بعد نیاز به آخوند دارد، قرآن به تنهایی می تواند خودش را توضیح دهد ولی دین را نمی تواند توضیح دهد لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ یعنی فرایند دین را کامل نمی کند بلکه احتیاج به تبیین دارد که آخوند ها یا پیغمبران آن را تبیین بکنند. (پربسامدترین واژه ای که رهبری در سالهای اخیر بیان کرده اند جهاد تبیین است که با تبیان که خود قرآن است برآن تاکید دارند تبیین بیان کردن با قرآن) او باید بگوید کجای آن جنگ باشد یا صلح در کدام آیه به ظلم اشاره دارد؟ مصادیق در هر زمانه را باید یک فرد تبیین بکند و پای پیغمبر برای تبیین قرآن وسط هست.

لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ قرآن خودش ، مفاهیم خود را تبیین می کند اما برای مردم باید تبیین شود یعنی در جاهای مختلف چه جایگاهی دارند و اینگونه قرآن و اهل بیت باهم دین می شود. تفسیر قرآن به قرآن یعنی قرآن برای فهم خودش (خود مفهوم هایش) احتیاجی به دیگری ندارد. اما ان چیزی که احتیاج به تبیین دارد که باید هم انجام شود ابتدا باید بسامدهای آیه را نگه دارید که کتمان نشود زیرا قرآن سمت مردم آمده ولی یک نکته ی مهمی که وجود دارد اینکه قرآن آمده به سوی مردم اما مردم دین خود را از قرآن نمی گیرند بلکه دین خود را از طریق علما خود می گیرند و اگر او تبیین نکند، کتمان می شود . ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ تو باید تبیین کنی وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ که بنشینند روی ان تفکر کنند.

### جریان تبیین رقیب جریان کتمان یا تحریف

ایه ۶۳ نحل : تَاللّٰهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ : در اینجا پیغمبر باید ورود کند، چون هر کسی یک بخشی را گرفته برای خوش خرج می کند، بعد می شود لا حکم الا لله که خود ان قران است اما دارد جای دیگری هزینه می شود.

فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ شیطان اعمال انها را برایشان تزین میکند فَهُوَ وَلِيُّهُمُ پس شیطان می شود ولی انها و برایشان تکلیف تعیین می کند . به عبارتی هرکسی یکسری آیه به سمت خود می کشد . در واقع طناب کشی آیات است که در اینجا خداوند می فرماید : وَ مَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (آیه ۶۴ نحل) همین موردی که در آن اختلاف می کنند، این جایگاه تبیین است.

قران نیامده است که کل جامعه را اداره کند. در اینجا نقش پیغمبر است که باید تبیین کند که اگر نکند کتمان کرده و اگر کتمان کند، آن هنگام بلاپی بر سرش خواهد آمد که در آیه ۱۵۹ سوره ی بقره اشاره کرده است . إِنَّ الَّذِي يَكْتُمُونَ مَا أُنزِلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ ... که مطلب جدی دیگری در این آیه به آن اشاره می کند که فریق و علمایی می آیند که شروع می کنند به تحریف کردن یا کتمان کردن .

ایه ی ۷۹ سوره ی بقره : فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ

قاعده این است، بسیاری از جاهایی که سخنان انبیاء را قبول نمی کنند، مردم نیستند بلکه یک عده ی هستند از بالا برای مثال رسانه و خواص و اخبار و... قبول نمی کنند در واقع جریانی را ایجاد می کنند در بین مردم نیز انتقال می دهند و اینگونه مردم نیز قبول نمی کنند.

خواص انسان را مستقیم به سوی جهنم می روند و بقیه را هم به سوی جهنم می برند. الا من عصمه الله، اگر انسان می دويد به سوی خواص برای اینکه او را بشناسند ان فرد به سوی جهنم می دود مگر اینکه دست در دست خدا بگذارد و خدا دست او را بگیرد.

آیه ۷۵ بقره: أَ فَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ : اصلا شما طمع دارید به اینکه به شما ایمان بیاورند چه طمع خامی. یک فریق که در درجه اول علمایی هستند که می توانند ان را تحریف کنند زیرا مردم نمی توانند انجام دهند. ابتدا تحریفات از علما شروع می شود تا می رسد به آیه ۷۸ بقره : وَ مِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَ إِنَّ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ : یک سری بی سوادان که کتاب را مگر به عنوان یک آرزو نمیدانند و حدس گمان می دانند. این وضعیت امیون است.

بقره آیه ۷۹: وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ : ولی وای به حال کسانی که با دست خود کتاب می نویسند و معارف تولید می کنند و می گویند برای خداست. که این فرد نمی توان از مردم عادی باشد بلکه باید معارفی داشته باشد تا دیگران ان را باور کنند، وای بر آن فردی که در این راه آبرو و کسبی را به دست می آورد. ویل (چاهی است در جهنم که دیگر انتها ندارد). انسان تا یک جایی می تواند متوجه شود و می فهمد که اشتباه می کند و الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمَلَىٰ لَهُمْ (سوره محمد آیه ۲۵) اما از جایی دیگر شیطان افسار او را می کشد لِاحْتِنَگٍ (اسراء ۶۲) خودش هم متوجه ی آن نمی شود یعنی انسان تا یک جایی میفهمد که دارد اشتباه می کند ولی از یک جایی چنان سقوط می کند برای مثال یک فردی از برج میلاد سقوط کند، که دیگر از سقوط خود با آن سرعت، خودش کیف می کند.

مثالی برای روشن سازی این مطلب: آدم تمیز کثیفی را تحمل نمی کند. کارتون خواب های خیلی کثیف دیگر اصلا متوجه ی کثیفی خودش نمی شود که این ها حتی از رفتن به حمام هم استقبال نمی کنند. خدا کند در معنویات این اتفاق نیافتد که متوجه کثیف شدن خود با گناه نشویم و با آب توبه پاک شویم.

ایه ۱۵۹ بقره : إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَلْهَدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهَا النَّاسُ  
الْأَعْنُونَ

نباید معارف کتمان شود مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ : درحالی که ما در کتاب تبیین کردیم ولی مردم که به کتاب (قرآن) مراجعه نمی کنند تا بفهمند. پس مشخص می شود که این کتاب نیاز به تبیین دارد وگرنه کتمان می شود، و کسی که ان را کتمان می کند اُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهَا النَّاسُ : خدا او را لعنت می کند به هر لعنت کننده ای که در هر جایی، هرچیزی را لعنت می کند، به این فرد لعنت را می فرستد و به این فرد لعنت می خورد. برای مثال فردی بانک ها را لعنت می کند، لعنت او به این شخص بر می گردد زیرا این شخص مطرح نکرد و او کتمان کرده است.

ایه ۱۶۰ بقره : إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَ أَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ : چون او نگفت و کتمان کرد اینگونه نیست که فردی فقط توبه کند بلکه دوباره باید تبیین کند و به همه چیزهایی که نگفته باید ان ها را انجام بدهد.

لذا آدم شرایطی اجتماعی درست کند یک موقع گناه ای ممکن است مرتکب شود که برای ان توبه می کند، در بزنگاه هایی باید چیز های می گفتی اما نگفتی در واقع تحریف کتمان محسوب می شود زیرا عملاً تحریف از موضعی انجام می دهی یک امری کتمان می شود.

سوره مبارکه ال عمران ۱۸۷ : وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَّسَ مَا يَشْكُرُونَ : خدا از اوتوالکتاب (انهایی که رفته رفته متوجه می شوند و می فهمند از علماء) شما هایی که در جایی مطرح نکنید یا جایی که باید دفاع کنید ولی از کل جریانات دین و امامت و انقلاب نکنید، خدا میثاقی گرفته است برای مردم تبیین بکنید و کتمان نکنید (عدم تبیین، کتمان می شود) زیرا مردم از علما متوجه می شوند، و کسانی این میثاق را پشت سر خود می اندازد و رو به سمت بحث های دیگر سیاسی می کنند (که این بحث سیاسی دنیا با ان مبادله می شود) بد معامله ای است. برخی ها شبیه چاله هستند یعنی اب در ان جمع می شود در نهایت کپک می زند که توصیه می شود شبیه چشمه یا قنات باشید که چیزهایی که یاد می گیرید به دیگران بیاموزید و تبیین کنید و نگزارید کتمان شود.

### تسلط شیطان بر مردم از راه خوراک

ایه ی ۱۶۸ : يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ : اگر کسی می خواهد دنبال شیاطین نرود، احتیاج به یک روزی و مال حلال دارد یعنی کل جامعه حلال خور باشد وگرنه جامعه ای که براساس ربا و بورس که قماربازی است، بخواد بچرخد یعنی در کل اقتصاد جامعه بر اساس این ها بچرخد ، این جامعه نمی تواند در مسیر نبوت و امامت حرکت کند مجبور به کتمان می شود مانند علمای درباری یک سری چیز هایی را بیان می کند و یک سری دیگر را خیر و براساس اهوای شیطان گزیده کاری و گزینه کاری می کند.

عبادتی که بر مال حرام واقع شود مانند بنایی است که روی ریگ ساخته شده است. توصیه می شود که مال مشکوکی را نخورید اگر خورید خمس ان را بدهید زیرا همین خوردن ها روح انسان را تشکیل می دهد.

كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ : حلال و طیب بخورید و تبعیت از خطوات شیطان نکنید زیرا یا یه ی بحث های خطوات شیطان اقتصاد است که در درجه ی اول خوردن که معنای فارسی به همین معنی استفاده می کنیم . در کل خوردن خیلی موثر است اگر مال شبه داری را خوردید حتما خمس ان را بدهید و اگر هم می توانید نخورید، نخورید به خصوص در ماه مبارک رمضان به این نکته رعایت کنید.

بقره آیه ۱۶۹ : إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشَاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ خطوات شیطان از گناه کم شروع می شود. انسان باید در درجه کم این خطوات شیطان بگوید نه ! زیرا انسان را به سوی مراحل بالاتر سوق می دهد وگرنه انسان را تحریک می کنند وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ : و دیگر راه برگشت بسته می شود.

بقره آیه ۱۷۲ : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ : نه تنها حلال باشد بلکه طیب باشد. شکر و ازدیاد در اینجا انجام می شود که در بستر مسئله فردی یا اجتماعی باید به آن نگاه کرد.

## راهبرد روزه برای تقویت روحیه مبارزه

نکته ای که در سوره ی مبارکه بقره خیلی جدی بیان شده بحث احکام است :

ایات ۱۸۳ و ۱۸۴ : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ / أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ : که مربوط به روزه است.

خاصیتی که در سوره ی مبارکه بقره در روزه به آن اشاره کرده است یک نوع تصلب مبارزه است . مناجات های قرانی برای مجاهدان نستوه کانال کمیل، دوکوهه و پشت خاکریز است ، نه مناجات های یک ادم کیف الله بازی . یعنی عمیق ترین مناجات های ما مال ادم های انقلابی پای صحنه است. إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلًا ما قرار نیست به کشف و شهود برسیم بلکه قرار است پای رکاب امامان جون بدهیم و مبارزه با طاغوت کنیم ، که یک از نقاطی می توان با آن ورود کرد مسأله بهداشت و روان است.

مسئله ماه رمضان به مباحث قتال پیچیده شده است . تطوع خیر میکند. من جلوی خودم رو میگیرم. فرد به خود مقبولاند که در فلان ساعتی من چیزی نمی خورم یا یک سری کارهایی را انجام نمی دهم لعلکم تتقون آن خیلی جدی میشود. یعنی رسیدن به کف نفس به عنوان مثال من نامحرم نگاه نمی کنم، جواب ادم ها رو نمی دهم، عصبانیت نمی کنم و.... که بهانه آن همان می شود که نمی خورم و نمی آشامم نکاح نمیکنم یا دروغ نمی گویم و زمانی که به کف نفس برسم قدرت بر مبارزه پیدا میکنم زیرا برای خدا به همه ی معاصی میگویم نه به خاطر خدا. به خاطر خدا بودنش مهمه، دایت که نیست. رژیم غذایی که همه جای دنیا هست. روزه در حقیقت رسیدن به حالت کف نفس است در مبارزه. این آدم میتواند مبارزه کند. وگرنه کیف الله بازی است.

## الگوی دین به مثابه ساختار های فرکتالی

دأب خدا به این است [تدین] را تبدیل میکند به یک سری امور فردی مانند نماز شب. منتها آن را تبدیل میکند به یک پازل به یک هویت کوچک و فرکتالی. یعنی جامعه را فرکتالی می کند (یعنی ما یک چیزی را که ساختار مجموعه ای دارد ، درون خود هم همه ی ساختار را دارد مانند مدل های اتمی که همه چیز این طوری اند که به چیزایی دارن دور به چیزایی میچرخن از کرات تا اتم ها) در ساختار های فرکتالی اینگونه است که خانواده را به وجود می آورد به نام سلول و شروع می کند به پیاده کردن مانند ولایت و دستورپذیری و... که همه ی این ها ساختار ها را بزرگ و عشیره ای و سیستمی می کند و بعد همه را تبدیل به جریان امامت می کند که زمانی درون هر کدام از آن می روید ساختار همان گونه است. [مثل گل کلم که هر جزء هر چقدر هم کوچک شود دوباره ساختارش مثل کل است ]

آن موقع کار دین در بحث شریعت سازی در قران این است که: تبدیل به یک بحث فردی می کند و سپس پازل می کند دربرابر پازل های دیگر یعنی این را به عنوان پازل یک حرکت بزرگ می گذارد و آن را در بعد فردی جاسازی می کند. در واقع ما باید روزه را بگیریم و نماز را بخوانیم هرچند نماز خواندن اقامه نماز نیست. این چیزها را که حدود پذیر اند شارع میتواند التزام ایجاد کند ولی لزوم مبارزه با آمریکا را که نمیتواند در بعد فردی جاساز کند. یک سری چیز هایی است که اگر قرار است در شریعت وارد کنند، در شریعت سهله سمحه اگر یک حدودی را وارد کنند دیگر نمی شود انجام داد. مثلاً اگر حدودی را وارد کند دیگ اصلاً نمی توان روزه گرفت مانند نگاه به نامحرم که می گویند حقیقت روزه را باطل می کند. حتی روایت دارد که اگر کسی به قامت زنی نگاه کند به طوری که از پشت حجم بدن او برایش معلوم شود این، روزه را باطل میکند. این موضوع را اگر



وارد شریعت می کردند کسی نمی توانست روزه بگیرد فقط ایت الله بهجت می توانست یا در درون غار باید روزه می گرفتیم.  
روزه قتال پایه است را توضیح خواهم داد.

وصل الله علی سیدنا محمد و آله